

علل و پیامدهای اولین مداخله نظامی، حکومت کمونیستی شوروی در ایران

چکیده

پس از انقلاب 1917م روسیه و روی کار آمدن کمونیست ها در این کشور، رهبران این کشور که با مشکلات داخلی و خارجی فراوانی روبرو بودند، برای مدت کوتاهی سعی نمودند با برخی اقدامات، زمینه های روابط دوستانه با ایران را فراهم نمایند. اما این وضع چندان دوام نیافت و پس از انعقاد قرارداد 1919م ایران و انگلیس و برخی عوامل دیگر روسها در سیاست خارجی خود در ایران چرخش های اساسی ایجاد کردند و سیاست تسامح را کنار گذاشته و در اولین مرحله اقدام به حمله نظامی به گیلان کردند، که این امر پیامدهای متعددی را در پی داشت. سعی ما در این مقاله بر آن است که نگاهی گذرا بر سیاست روس های کمونیست در ایران پس از قرارداد 1919م تا انعقاد قرارداد 1921م، مودت ایران و روسیه و پایان نهضت جنگل داشته باشیم تا بتوانیم این ادعا را به اثبات برسانیم که تغییر حکومت روسیه، تحولات اساسی در سیاست خارجی آنان نسبت به ایران ایجاد نکرده و آنان بر خلاف شعارهای کمونیستی خود همواره در صدد کسب منافع بیشتر در ایران بوده اند و در این راه از هیچ اقدامی ابایی نداشته اند.

کلید واژه ها: میرزا کوچک خان، رضاخان، بلشویکها، حزب کمونیست، انگلستان.

روسیه، شوروی، گیلان، قرارداد مودت، قرارداد تجاری لندن 1921 م

مقدمه

آغار روابط و مناسبات ایران و روسیه به دورانی بازمی‌گردد که هنوز راه‌های دریایی در اواخر قرن 15م کشف نشده بود. این روابط تا زمان روی کار آمدن پطر کبیر در روسیه، بیشتر جنبه ی تجاری داشت. اما پس از قدرت‌گیری این فرد، تحولات چشم‌گیری در این روابط ایجاد شد. بدین شکل که روسها از این به بعد اهداف توسعه-طلبانه را نیز سرلوحه سیاست خارجی خود در ایران قرار دادند و بارها به خاک ایران تجاوز کردند. پس از بروز انقلاب 1917م روسیه و روی کار آمدن کمونیست‌ها در این کشور و انجام برخی اقدامات دوستانه¹ آنان نسبت به ایران، برخی را براین باور داشت که تفاوت‌های بسیاری میان رهبران کمونیست و تزارهای پیشین روسیه در رابطه با ایران وجود دارد (به حدی که برخی از سیاستمداران ایرانی از این انقلاب با عنوان معجزه سیاسی یاد کردند). ولی این اعتقاد مثبت نسبت به کمونیستها چندان دوام نیافت، چراکه آنان در سال 1920م/1299ش اقدام به حمله نظامی به گیلان کردند و با این عمل، به خوبی ثابت کردند که گرچه ساختار سیاسی این کشور به طور کامل عوض شده است ولی در ماهیت اهداف توسعه طلبانه ی روسها در ایران هیچ تغییری حاصل نشده است و حتی در برخی جهات کمونیستها از تزارها نیز پیشی گرفته اند.

دراین مقاله سعی شده به بررسی عملکرد دولت شوروی و عوامل وابسته به آن (حزب کمونیست و حکومت آذربایجان) نسبت به اشغال گیلان در 1920م پردازیم و این مساله را دنبال کنیم که آنها با چه هدفی راهی گیلان شدند و این امر در نهایت چه پیامدی داشت، تا در آخر این فرضیات را به اثبات برسانیم:

1- طی دوران اشغال گیلان، رهبران کونیست به این نتیجه رسیدند که مردم ایران حاضر به قبول اصول کمونیستی نیستند و اصول ایدئولوژیکی آنان در بین مردم جایگاهی ندارد.

2- تعامل های جهانی و نیاز روسیه و انگلستان به یکدیگر آنان را مجبور کرد در رابطه با ایران علیرغم داشتن اختلافات با یکدیگر کنار بیایند.

3- روسها برای رسیدن به اهداف خود در ایران، از حمایت حزب کمونیست ایران دست برداشتند و به وعده های خود در مورد کمک به میرزا کوچک خان نیز عمل نکردند و بدین طریق آنها را قربانی منافع خود کردند.

در رابطه با پیشینه تحقیق نیز باید عنوان کرد که خوشبختانه در رابطه با روابط ایران و روسیه، مطالب فراوانی به رشته تحریر در آمده است که هر یک به نوبه خود ارزشمند هستند. اما چون به طور گسترده به بحث و بررسی روابط پرداخته اند و از نظر زمانی سالهای فراوانی را مد نظر قرار داده اند، مجبور شده اند از بازگو کردن برخی مطالب چشم پوشی کنند و نقش تعاملهای جهانی را کمتر مد نظر قرار دهند. لذا در این متن سعی شده ضمن محدود کردن مبحث از نظر زمانی، این معایب را بر طرف کرده و با توجه به برخی اسناد وزارت امور خارجه، بهتر بتوانیم به نتایج صحیح دست یابیم و در اختیار علاقمندان به وقایع تاریخ معاصر قرار دهیم.

اشغال گیلان:

با آغاز سال 1920م/1299ش حکومت روسیه که در صدور انقلاب کمونیستی در غرب با مشکلات بزرگی روبرو شده بود، ترجیح داد با توجه به اهداف زیر فعالیت های خود را در مشرق متمرکز کند:

الف) ضمن تبلیغ مرام کمونیستی در این مناطق انگلستان را تحت فشار قرار داده تا به خواسته های این کشور تن در دهد.

ب) کشورهای مشرق فاقد قدرت دفاعی لازم بودند و در صورت لزوم بلشویک ها می توانستند آنها را به زانو در بیاورند.²

ج) بیشتر مردمان این مناطق از سلطه سیاسی - اقتصادی انگلستان ناراضی بودند و این امر می‌توانست زمینه بسیار خوبی برای تبلیغات بلشویک‌ها باشد.

بنابراین برنامه صدور انقلاب کمونیستی در جبهه شرق، در دستور کار رهبران کمونیست روسیه قرار گرفت و طبیعی بود که در این امر، ایران اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. به طوری که «ترویانونسکی»³ یکی از بلشویک‌های معروف این دوران در کتاب خود به نام «انقلاب و شرق» در سال 1918 م می‌نویسد:

«این کلید حیاتی [ایران] انقلاب شرق باید در دست ما

باشد؛ ایران به هر قیمتی که شده نصیب ما شود؛ ایران باید

متعلق به انقلاب کمونیستی باشد».⁴

البته باید در نظر داشت که عوامل دیگری نیز در انتخاب ایران از طرف دولت مسکو برای نشان دادن عکس‌العمل نظامی وجود داشت که از آن جمله می‌توان به انعقاد قرارداد 1919 م ایران و انگلیس، سیاست‌های دولت وثوق‌الدوله در آذربایجان و قفقاز⁵ و هم‌چنین قتل کالامیتسف⁶ فرستاده سیاسی مسکو در گیلان توسط افسران قزاق اشاره کرد.

به هر ترتیب به دنبال تصمیمات حزب کمونیست روسیه، ناوگان دریایی روسیه در 28 اردیبهشت 1299/ مه 1920 م به فرماندهی «راسکولینکوف»⁷ به بهانه بازپس‌گیری ناوگان دریایی دنیکین⁸، غازیان را گلوله‌باران و تصرف کردند و به دنبال آن شهرهای انزلی و رشت را نیز تسخیر نمودند. در قبال این حرکت، دولت ایران به رهبری وثوق‌الدوله بلافاصله دو شکایت را تنظیم و به مسکو و جامعه ملل ارسال کرد.⁹ دولت مسکو در قبال اعتراض ایران اعلام کرد که راسکولینکوف به میل خویش اقدام به این عمل کرده و قول دادند؛ به محض اینکه کشتی‌های دنیکین را تصرف کردند، این شهرها را تخلیه کنند.¹⁰ در مورد این اظهار بی‌اطلاعی رهبران مسکو باید عنوان کرد که بر اساس اسناد به دست آمده از آرشیو وزارت خارجه روسیه، آنها کاملاً

از اقدام راسکولینکوف از قبل مطلع بودند و خود آنها چندی قبل به او دستورات لازم را در این زمینه داده بودند. که در اینجا به چند مورد از این اسناد اشاره خواهد شد:

الف) در بهمن 1298 ش/25 ژانویه 1920 م فرمانده بلشویک جبهه ترکستان، از تروتسکی¹¹ وزیر جنگ درخواست تجهیزات جدید نظامی می‌کند و طی آن اعلام می‌کند که به زودی قصد دارند به کمک انقلابیون گیلان وارد عمل شوند.¹²

ب) در اردیبهشت 20/1299 آوریل 1920 م تروتسکی رونوشت دستورالعمل خود به راسکولینکوف را برای لنین و چیچیرین¹³ ارسال می‌کند که در آن آمده بود:

«پاکسازی دریای خزر از ناوگان روسهای سفید با همه وسایل ممکن باید به اجرا درآید، اگر پیاده شدن در ساحل ضروری می‌باشد باید به این کار دست زد. [چون] ایران خود قادر به خلع سلاح کشتی‌ها جنگی [روسهای سفید] نیست».¹⁴

ج) در 19 مه 1920 م یک روز پس از حمله نظامی به گیلان، راسکولینکوف تلگرافی به لنین زده و ضمن گزارش جریان، در پایان اضافه می‌کند که مأموریت با موفقیت به اتمام رسید.¹⁵

در این هنگام روسها که به شدت نگران حسن شهرت خود بودند، ابتدا سعی داشتند تا راسکولینکوف را مقصر این عمل جلوه دهند؛ اما هنگامی که با شکایات ایران به جامعه ملل روبرو گشتند، مجبور شدند روش خود را تغییر دهند. به همین دلیل از یک طرف ضمن خروج نیروهای خود از گیلان سعی کردند عناصر کمونیست باکو و همچنین برخی از افسران خود را با اسامی ایرانی جایگزین آنان کنند و از طرف دیگر تلاش نمودند، جمهوری به ظاهر خودمختار آذربایجان را سپر کارهای خود قرار دهند و خود را در امور بعدی بی‌گناه جلوه دهند. از این رو تروتسکی دستورالعمل مهمی را برای راسکولینکوف ارسال کرد که در بخش‌هایی از آن آمده بود:

الف) هیچ‌گونه دخالتی در امور گیلان نباید با نام روسیه صورت گیرد.

ب) در صورت احتیاج به کشتی‌های جنگی، آنها باید با پرچم آذربایجان حرکت کنند.

ج) باید به گونه‌ای عمل کرد که بتوانیم انگلیسی‌ها را متقاعد کنیم که ما قصد نداریم علیه منافع آنها در شرق اقدام کنیم.¹⁶

نکته‌ای که در اینجا تا اندازه‌ای در پرده ابهام قرار دارد این است که چرا نیروهای انگلیسی مستقر در شمال ایران (نورپرفورس)¹⁷، به رغم داشتن استحکامات مناسب¹⁸ و حتی پیش‌بینی اینکه بلشویک‌ها بزودی قصد حمله دارند¹⁹ در مقابل بلشویک‌ها مقاومت جدی به خرج ندادند و ضمن تحویل 60 نفر از همراهان دنیکین و کشتی‌های جنگی به آنها، به دستور ژنرال «چمپین»²⁰ عقب‌نشینی کردند.²¹ البته چمپین در مورد این عقب‌نشینی اینچنین عنوان می‌کند که «اگر ما در مقابل آنها نیروهای روسی {جنگ کنیم اهالی غازیان و انزلی تلف شده، پس لازم است به طرف رشت برویم».²² که این امر نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای باشد زیرا اگر انگلیسها قصد مقاومت نداشتند در آنجا چه می‌کردند؟ و چرا سنگرهایی برای خود تدارک دیده بودند؟

در این مورد برخی اعتقاد دارند که این عمل بر اساس دستور وزارت جنگ انگلستان، از مدت‌ها پیش به دنبال طرح تخلیه کامل ایران در دستور کار فرماندهان نظامی قرار گرفته بود و چمپین نیز پس از آنکه نتوانست از سرفرماندهی خود در بغداد و هم‌چنین سفارت انگلستان در تهران جوابی دریافت کند، به صلاحدید خود اقدام به عقب‌نشینی کرد.²³

به نظر می‌رسد گرچه این عمل تا حدودی قدرت ارتش انگلستان را زیر سؤال برد، اما مزایایی نیز برای انگلستان در برداشت که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) حملات بلشویک‌ها به گیلان و به دنبال آن شکایت ایران به جامعه ملل می‌توانست تا حدود زیادی چهره دولت کمونیستی روسیه را که خود را حامی ملل شرق و ضعیف می‌دانست زیر سؤال ببرد و موجب دلسردی مردم از این مرام شود. ب) لرد کرزن²⁴، که هنوز به تصویب قرارداد 1919م امید داشت، اینگونه نتیجه‌گیری کرد که در صورت تصویب قرارداد، انگلیسی‌ها می‌توانستند از ایران حمایت کنند. لذا از این طریق می‌خواست وزارت جنگ انگلستان را متقاعد کند که عقب‌نشینی از ایران را به تعویق بیندازند.

ج) انگلیسی‌ها می‌توانستند از این عمل بهره‌برداری کرده و خود را تنها حامی کشورهای شرق در مقابل روسیه نشان دهند. در نهایت پس از تصرف رشت و انجام مذاکراتی با میرزا کوچک‌خان جنگلی، اولین جمهوری شورایی را در گیلان (خرداد 1299) تأسیس کردند. البته این دست‌اندازی بلشویک‌ها فقط منحصر به گیلان نشد و آنها سعی کردند در آذربایجان نیز نفوذ کنند که پس از شکست در آذربایجان²⁵، از آن صرف‌نظر کردند و تمام تلاش خود را در این زمان معطوف به گیلان نمودند.

اما به راستی روسها از تجاوز به گیلان چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟ آیا به گفته زمامداران بلشویک آنها فقط به دنبال بازپس‌گیری کشتی‌های دنیکین بودند؟ اگر اینگونه بود، چرا پس از تصرف کشتی‌ها، بلشویک‌ها از تجاوزات خود دست برنداشتند و هم‌چنان در گیلان باقی ماندند؟ پس باید قبول کرد که روسها از تصرف گیلان اهداف بزرگتری را دنبال می‌کردند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) با فشار بر دولت ایران، آنها را وادار به آغاز مذاکرات با روسیه کنند. چنان‌که راسکولینکوف در این مورد اظهار می‌دارد که آنها نه تنها برای خلع سلاح نیروهای دنیکین، بلکه برای انجام بعضی مذاکرات با دولت ایران، وارد گیلان شده‌اند.²⁶

ب) با تصرف گیلان، دیگر به انگلیسیها اجازه داده نمی‌شد در قفقاز دخالت کنند.

ج) این عمل می‌توانست مقدمه‌ای بر شورایی کردن ایران و در نهایت الحاق ایران به عنوان یکی از جمهوری‌های شوروی باشد.

د) تصرف گیلان این امکان را فراهم کرد تا برای مدتی بلشویک‌ها خواربار این منطقه را تصاحب کنند، به طوری که سپاه یازدهم روسیه که در باکو مستقر بود، توانست تمام خواربار خویش را از گیلان بدست آورد.²⁷

ه) روسها با این عمل سعی کردند به دولت انگلستان نیز، برای باز کردن باب مذاکرات و قبول خواسته‌های خویش فشار وارد کنند؛ چنان‌که راسکولینکوف در این مورد می‌گوید:

«در مورد سرنوشت بعدی انزلی نیز به آنها گفتم که این

موضوع را می‌توان از طریق مذاکرات دیپلماتیک میان روسیه و

بریتانیا حل کرد».²⁸

هم‌چنین «راداک»²⁹ در مقاله‌ای از روزنامه ایزوسیستا³⁰ مورخ 10 ژوئن 1920م نوشت: که بریتانیا برای نابودی انقلاب گیلان ناتوان است، اما چنانچه بریتانیا با شوروی راه صلح را در پیش گیرد، شوروی مایل است تا به عنوان میانجی بین بریتانیا و نهضت جنگل اقدام کرده و منافع گسترده انگلستان در ایران را حفظ کند.³¹

حزب کمونیست و میرزا کوچک‌خان

با آغاز حملات بلشویک‌ها به گیلان، تعداد زیادی از نیروهای حزب عدالت³² نیز که از مدت‌ها پیش آموزش دیده بودند، به تدریج وارد گیلان شدند. آنان از همان بدو ورود به رغم توافق اولیه میرزا با نمایندگان نیروهای سرخ، مبنی بر عدم تبلیغات حزبی، اقدام به تبلیغات کمونیستی و حتی آموزش نظامی اعضای خود کردند³³ که به همت همین افراد در تیر ماه 1299/ژوئن 1920م اولین کنگره خود را به ابتکار کمیته

حزب عدالت ترکستان در انزلی تشکیل داده و حزب کمونیست ایران را بنیان گذاشتند.³⁴

در پایان این کنگره، حزب کمونیست، قطعنامه 8 ماده‌ای را به تصویب اعضاء رساند که در آن مهمترین وظایف این حزب چنین آمده بود:

«وظیفه حزب کمونیست ایران عبارت است از نبرد علیه سرمایه‌داری جهانی در کنار روسیه شوروی، حمایت از عناصری که علیه انگلستان و دولت شاه قیام می‌کنند و بخشیدن ماهیتی هر چه جدی‌تر به این مبارزه و جلب توده‌های دهقانی و کارگری به آن، خنثی کردن عناصری که از مبارزه انقلابی می‌هراسند و در عین حال خواهان اخراج انگلیسی‌ها هستند».³⁵

کنگره هم‌چنین تصمیم گرفت تا مقر کمیته مرکزی حزب را از انزلی به تهران انتقال دهد و حداقل ظرف سه ماه در مناطقی که تحت نفوذ و اشغال انگلیسیها می‌باشد، فعالیت مخفی حزبی دایر نماید. از این رو 75 نفر از اعضای حزب برای ادامه فعالیت و کار حزبی به این مناطق اعزام شدند که در این میان، سیدجعفر جوادزاده³⁶ جهت توسعه و سازماندهی حزبی روانه تهران شد.³⁷

در این میان اگر به خوبی به اهداف اولیه این حزب نگاه شود به راحتی می‌توان تشخیص داد که این حزب نه بر اساس نیازمندیهای ایران، بلکه بر اساس نیازمندیهای روسیه بلشویک در جهت مبارزه علیه انگلستان در کنار روسیه شکل گرفت که این خود می‌توانست دلیل دیگری بر وابستگی کامل این حزب به روسها باشد.

با شدت گرفتن فعالیت کمونیست‌ها در گیلان، میرزا در 18 تیر 1299 رشت را به حالت قهر بسوی فومن ترک و اعلام نمود تا زمانی که حزب کمونیست از

تبلیغات خود دست بردارند، به رشت باز نمی‌گردد.³⁸ این عمل نه تنها از فعالیت کمونیستها کم نکرد، بلکه باعث افزایش آن نیز شد.

به دنبال رفتن میرزا، زمامداران روسیه که تصور می‌کردند دیگر نیازی به میرزا کوچک‌خان ندارند و با کمک احسان‌الله‌خان و نیروهایش می‌توانند به اهداف خود دست یابند، طرح کودتای 9 مرداد 1299ش/30 ژوئیه 1920م را به رهبری بلومکین³⁹ و مدیوانی⁴⁰ و اجرای اعضای حزب کمونیست علیه میرزا و هوادارانش به مرحله اجرا درآوردند. به دنبال این کودتا حکومت جدیدی به رهبری احسان‌الله‌خان شکل گرفت، که برنامه‌های تشکیل سپاه به تقلید از ارتش سرخ روسیه، لغو اختیارات مالکین و اصول ملوک‌الطوایفی و رفع احتیاجات کارگران را دنبال می‌کرد.⁴¹ پنج روز پس از این کودتا، کمونیست‌ها زیر نظر آبوکوف⁴² نماینده حزب کمونیست روسیه در گیلان، اقدام به انتشار روزنامه‌ای به نام «کامونیست» کردند⁴³ که این امر می‌توانست دلیل دیگری برای وابستگی کامل این حزب به روس‌ها باشد.

با گذشت مدت کوتاهی از کودتا، زمامداران مسکو خیلی زود متوجه اشتباه خود در گیلان شدند. زیرا از یک طرف اقدامات کمونیست‌ها، در تصرف اموال مردم، جمع‌آوری به زور اعانه، مجبور کردن افراد به آویزان کردن علامت داس و چکش بر سینه و بخصوص تبلیغات ضد دینی، باعث نارضایتی زیادی در بین مردم گیلان شده بود و از طرف دیگر عوامل روسی در گیلان⁴⁴، مرتب از نیاز به اتحاد با میرزا برای ادامه حرکت تأکید می‌کردند و معتقد بودند که دوباره نهضت گیلان را باید بر پایه احساسات ملی استوار کرد و از اتکاء زیاد بر کمونیستها پرهیز کرد؛ به این دلیل که جامعه ایران هنوز توانایی پذیرش تبلیغات کمونیستی را ندارد. بدین‌سان دولتمردان روسیه تصمیم گرفتند تا ضمن محدود کردن حزب کمونیست در گیلان، دوباره نظر میرزا کوچک‌خان را برای ادامه همکاری جلب کنند. لذا در شهریور 1299/اوت 1920م دفتر قفقاز کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه تصمیم گرفت تا نمایندگان

حزب کمونیست را از حکومت گیلان بیرون بکشد و اساس حکومت گیلان را بر حرکات ملی استوار سازد؛ به همین منظور حکومت احسان الله خان به رغم برخی مخالفت‌ها، از اعضاء تندروی کمونیست تسویه شد. و محل مرکزی حزب کمونیست ایران نیز از رشت به باکو منتقل گردید.

کنگره باکو زنگ خطر دو دولت روسیه و انگلستان:

با تصرف باکو در سال 1920م، دولت روسیه تصمیم گرفت تا در سپتامبر همین سال کنفرانسی متشکل از کمونیستهای مشرق را در این شهر تشکیل دهد. انتخاب این شهر به عنوان مرکز کنفرانس اتفاقی نبود چرا که این شهر یکی از اولین مراکز فعالیتهای کمونیستی در شرق محسوب می‌شد و پناهگاه بسیاری از کمونیستهای فراری ارمنی، گرجی و ایرانی بود.⁴⁵ این کنگره از 9 تا 15 شهریور 1299/1 تا 7 سپتامبر 1920م، به ریاست «زینوویف»⁴⁶، رئیس کمیترن⁴⁷، و با حضور 1891 نماینده از اقوام عرب گرفته تا چینی تشکیل شد. هیأت ایران نیز با حضور 192 نفر در این کنگره شرکت کردند. تعداد زیادی از افرادی که در این کنگره حضور داشتند، اصولاً کمونیست نبودند و شاید عامل مشترک، یعنی تنفر از انگلستان باعث شده بود تا در این کنگره شرکت کنند⁴⁸ در پایان کنفرانس، پیشنهاد زینوویف مبنی بر اینکه:

«اگر بخواهیم انگلستان دست از کمک به قوای ضدانقلابی

بکشد و دولت بلشویکی را به رسمیت بشناسد، باید ممالک

خاورمیانه مخصوصاً در هندوستان تولید انقلاب کنیم و با

تحریک ملیتها اهالی آنها را علیه انگلیس بشورانیم».⁴⁹

مورد تصویب اعضاء قرار گرفت و بصورت بیانیه درآمد. این بیانیه می‌توانست نشان دهنده هدف روسها از تشکیل کنگره و سیاست‌های جاه‌طلبانه بلشویک‌ها باشد که قصد دارند از طریق فشار به انگلستان، آنها را وادار به قبول خواسته‌های خود کنند و

در این امر ملل مشرق، کمترین اهمیتی برای بلشویک‌ها ندارد و فقط قصد دارند از آنان به نفع خود بهره‌برداری کنند که نمونه‌های آن را می‌توان در تاریخ ایران بارها مشاهده کرد.

این کنگره همان‌طور که می‌توانست خطری جدی برای انگلیسیها محسوب شود؛ برای خود روسها نیز زنگ خطر را به صدا درآورد و روس‌ها را متوجه این نکته کرد که در ممالک آسیایی صرفاً نمی‌توانند از اصول کمونیستی برای تشویق به قیام استفاده کنند، چرا که تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان کنگره همچنان بر جنبه‌های ناسیونالیستی مبارزات تأکید داشتند.⁵⁰ لذا این امر باعث شد تا نسبت به قیام گیلان انعطاف بیشتری نشان دهند و همکاری با میرزا را جدی‌تر بگیرند.

پس از پایان کنگره قرار شد هیأتی نیز به نام شورای تبلیغات و عملیات ملل مشرق تشکیل شود که وظیفه آن انجام تبلیغات و عملیات نظامی در کشورهای مشرق زمین بود. به دنبال آن نیز حیدرعمواوغلی یکی از اعضاء مطرح این هیأت، با سفارش‌های لازم از طرف روسها به همراه 500 نفر و تجهیزات نظامی راهی گیلان شد و وظیفه داشت که ضمن جلب نظر میرزا کوچک‌خان نهضت گیلان را تقویت کند.⁵¹

او پس از ورود به گیلان و برخی مذاکرات در نهایت توانست نظر میرزا کوچک‌خان را به طرف خود جلب کند و توافق‌نامه‌ای را میان کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، کمیته انقلابی رشت، به رهبری احسان‌الله خان و میرزا کوچک‌خان به امضاء برساند.⁵² و بدین ترتیب دوباره در 13 مرداد 4/1299م 1921م جمهوری شورای گیلان تأسیس شد. از دیگر اقدامات حیدر عمواوغلی در این زمان، تشکیل کمیته حزبی در تبریز بود که بیشتر اعضاء آن را تاتارهای باکو، برخی از ارامنه و روس‌های فراری تشکیل می‌دادند. این کمیته به مردم وعده می‌داد که به زودی کمونیسم در آذربایجان پیاده خواهد شد.⁵³

این ائتلاف جدید، نیز چندان دوام نیافت و بر اثر عواملی همچون تغییر سیاست روسیه در ایران که مبتنی بر عدم حمایت از نهضت‌های داخلی ایران بود و همچنین بروز اختلاف میان کادر رهبری جدید، خیلی سریع از هم پاشید و درگیری داخلی آغاز گشت، که در طی یکی از همین درگیریها حیدر عمواوغلی توسط یاران میرزا کشته شد. و آخرین اقدام کمونیستها برای نجات انقلاب گیلان بی‌نتیجه ماند.

نکته جالب توجه آن است که پس از مرگ حیدر عمواوغلی، بیشتر منابع روسی سعی کردند اینگونه وانمود کنند که حیدر عمواوغلی بدون هماهنگی با زمامداران روسیه در ایران، دست به فعالیت زده و اعمال او هیچ ربطی به دولت روسیه نداشته است. لذا اقدامات او را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند.⁵⁴ این در حالی بود که تا این زمان حیدر عمواوغلی یکی از اعضای برجسته حزب محسوب می‌شد و بسیار مورد احترام بلشویک‌های روسیه بود.

عقب‌نشینی از گیلان

از اواخر تابستان 1299، روسها با توجه به دلایل زیر در سیاست‌های خود در ایران تجدیدنظر کردند:

1- آغاز مذاکرات هیأت کراسین⁵⁵ در لندن موجب شد، این کشور تا حدودی از مواضع اولیه خود در گیلان عقب‌نشینی کند چرا که با انعقاد یک قرارداد تجاری آنها نه تنها می‌توانستند بسیاری از مشکلات اقتصادی خود را برطرف کنند، بلکه زمینه‌های شناسائی رسمی حکومت خود را نیز مهیا نمایند. بدین سان روسها از این طریق سعی می‌کردند حسن نیت خود را به انگلیسی‌ها که خواهان عقب‌نشینی روسها از گیلان بودند، نشان دهند.

2- برخی از رهبران مسکو از این مسئله واهمه داشتند که ممکن است ادامه حضور آنان در شمال ایران، موجب حساسیت بیشتر انگلیسی‌ها شود و آنها را وادار کند

به عنوان منجی ایران و برای حفظ منافع خود، شخصاً وارد عمل شوند و به جنگ علیه روسیه پردازند.

3- گزارشهای پی در پی نمایندگان حزب کمونیست روسیه از اوضاع گیلان، که در آنها ذکر شده بود: به راه انداختن انقلاب داخلی در ایران ممکن نیست.⁵⁶ هر چه بیشتر رهبران مسکو را تشویق می‌کرد تا هر چه زودتر نیروهای وابسته خود را از گیلان خارج کند و سعی نماید از طریق دیپلماتیک منافع خود را تأمین نماید.

4- در طی کنگره باکو، رهبران حزب کمونیست روسیه به خوبی متوجه شدند که آنان در حال حاضر نمی‌توانند به صدور انقلاب کمونیستی در ایران و بیشتر نقاط آسیا امیدی داشته باشند، چرا که طی این کنگره تعداد زیادی از اعضای آن کنگره هم‌چنان بر جنبه‌های ناسیونالیستی مبارزات تأکید کردند که این، مغایر با اصول کمونیست محسوب می‌شد.

5- با آغاز مذاکرات ایران و روسیه که در نهایت منجر به قرارداد مودت 1921م شد، سران این کشور متوجه این مطلب شدند که آنها می‌توانند از طریق این مذاکرات به اهداف خود دست پیدا کنند، لذا از حمایت نهضت جنگل دست کشیدند.

از این رو در مهر 20/1299 سپتامبر 1920م کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه در رابطه با مسائل ایران جلسه‌ای تشکیل داد تا سیاستهای آتی خود را در قبال ایران مورد بررسی قرار دهد. در این میان «کاراخان»⁵⁷ که معتقد بود انقلاب گیلان کاملاً به گل نشسته است، دو راه حل را برای ادامه فعالیت در ایران به اعضای حزب کمونیست پیشنهاد کرد: اول، مداخله نظامی و تصرف کامل ایران و سرنگونی رژیم شاه، دوم از طریق اعمال نفوذ طولانی و مسالمت‌آمیز در ایران که در پی آن، باید از ایران عقب‌نشینی کنند و از یک طرف با حکومت ایران و شاه رابطه برقرار کنند و از طرف دیگر نیروهای ملی و دموکراتیک و به خصوص نیروهای کمونیستی را مورد حمایت قرار دهند. در پایان، کمیته راه حل دوم را مورد تأیید قرار داد و قرار شد آن را سرلوحه

فعالیت‌های بعدی خود در ایران قرار دهد و همین امر نیز باعث شد، تا مشاورالممالک انصاری را که از طرف دولت مشیرالدوله جهت گفتگو راهی مسکو بود، مورد استقبال قرار دهند.⁵⁸ که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

از این زمان به بعد، دولت روسیه نه تنها کمک جدی به انقلابیون گیلان نکرد بلکه از پیشروی آنان نیز جلوگیری می‌کرد؛ به طوری که احسان‌الله خان در این مورد می‌گوید:

«تقریباً یک سال و نیم است که در گیلان تشکیلات

انقلابی بوجود آورده‌ایم ولی رفقای روسی اجازه حرکت از

گیلان را به ما نداده‌اند».⁵⁹

و یا هنگامی که سردار محیی و چند نفر از همراهانش در دی 1299/ژانویه 1921م از طرف حکومت احسان‌الله خان به مسکو اعزام شدند تا مقدمات حمله به تهران را فراهم کنند، دولت مسکو توجهی به درخواست‌های آنان نکرد و آنها را دست خالی روانه گیلان کرد.⁶⁰

البته باید یادآور شد تا هنگام عقد قراردادهای 1921م مودت و تجاری لندن در 1921م، موضوع گیلان دستاویزی برای دو دولت انگلستان و روسیه بود، زیرا هرگاه مذاکرات آنها به بن‌بست می‌رسید، سعی می‌کردند تا حرکت جدیدی را در گیلان از خود نشان دهند و در مقابل یکدیگر جبهه‌گیری کنند.

قراداد مودت 1921 م

پس از استعفای وثوق‌الدوله، مشیرالدوله پیرنیا از طرف احمدشاه مأمور تشکیل کابینه شد. او تصمیم گرفت برای پایان دادن به نهضت گیلان هیأتی را روانه مسکو کند تا ضمن برقراری روابط با دولت مسکو، جمهوری گیلان را از حمایت بلشویک‌های روسیه محروم کرده و زمینه سرکوب آنها را فراهم کند. لذا، پس از اینکه اسحاق‌خان

مفخم‌الدوله از پذیرش این سفارت خودداری کرد، مشاورالممالک انصاری را که در استانبول به سر می‌برد⁶¹ برای این سفارت انتخاب کرد و ضمن دستورالعملی از او خواست،⁶² با توجه به مطالب زیر با روسها وارد مذاکره شود:

- 1- احضار نظامیان روس که در ولایات سرحدی ایران بودند و همچنین قطع هر نوع کمک به عناصر محلی که علیه دولت ایران فعالیت می‌کردند.
- 2- جلوگیری از تبلیغات بلشویکی در ایران.
- 3- زمینه‌های عقد عهدنامه مودت را میان دو کشور فراهم کند.
- 4- مذاکرات مقدماتی را جهت افتتاح باب مبادلات تجاری، بعمل آورد.
- 5- قراردادهای مفیدی را در رابطه با مسائل پستی و تلگرافی منعقد کند.
- 6- در رابطه با مسائل مرزی، با روسها به توافقات اولیه دست یابد.
- 7- وعده‌های شانزده گانه تروتسکی و چیچیرین، راجع به حقوق ایران را مورد تصدیق قرار داده و زمینه‌های اجرایی آنان را فراهم نماید.
- 8- در رابطه با حفظ اموال مسلمانهای روسیه و بخصوص قفقاز نیز اقدامات مفیدی را بعمل آورد.⁶³

پس از ورود مشاورالممالک به روسیه، مقامات این کشور به خوبی از او استقبال کردند و سعی نمودند قبل از آغاز مذاکرات، جو مناسبی را برای هیأت ایرانی ایجاد کنند. لذا تعدادی از زندانیان ایرانی را آزاد کرده و کمیسیون را مأمور استرداد اموال مصادره شده ایرانیان کردند. در رابطه با این نحوه برخورد روسها، باید عنوان کرد که علت اصلی این امر آن بود که نه تنها مذاکرات آنان در لندن تا حدودی به بن‌بست رسیده بود،⁶⁴ بلکه در داخل کشور نیز دچار مشکلاتی همچون قحطی و شورش‌های پراکنده بودند.⁶⁵ این امر رهبران روسیه را مجبور کرد تا با فراهم کردن شرایط مناسب برای هیأت ایرانی، زمینه‌های انعقاد قراردادی را که می‌توانست برخی از مشکلات

اقتصادی آنان را برطرف کند، فراهم کرده و اجازه ندهد ایران نیز به صف مخالفان آنان ملحق گردد.

با ورود مشاورالممالک به مسکو در آبان 1299، مذاکرات اولیه آغاز شد. اما با استعفای مشیرالدوله و روی کار آمدن کابینه سپهدار، برای مدتی در انجام مذاکرات وقفه ایجاد شد. چرا که روسها در مورد همکاری این کابینه با روند مذاکرات تردید داشتند. ولی پس از مشخص شدن موضوع مثبت کابینه سپهدار در قبال مذاکرات و عدم تأیید قرارداد 1919م توسط کابینه او و همچنین ملاقات مشاورالممالک با لنین در آذر 1299، بار دیگر مذاکرات میان دو کشور آغاز گردید.⁶⁶

در این میان مشاورالممالک به شدت تلاش می‌کرد تا هرچه زودتر نتیجه قرارداد را مشخص کند. زیرا که مذاکرات میان روسیه و انگلستان نیز در جریان بود و مشاورالممالک از این می‌ترسید که این دو کشور بر سر ایران با یکدیگر تبانی کنند.⁶⁷ در این هنگام روسها سعی بسیار داشتند، مشاورالممالک را متقاعد کنند تا با اضافه کردن ماده‌ای به قرارداد به روسها اجازه داده شود در ایران به تبلیغ مرام کمونیستی بپردازند، که البته مشاورالممالک از قبول آن اجتناب کرد و به آنان قبولاند که نمی‌توان چنین ماده‌ای را به قرارداد اضافه کرد؛ چرا که ممکن است بهانه‌ای برای انگلیسی‌ها شود. اما گویا بطور لفظی به آنها اجازه این کار را می‌دهد.⁶⁸ بالاخره در 26 فوریه 1921/ اسفند 1299 در مسکو متن نهایی قرارداد به امضاء مشاورالممالک انصاری و چیچیرین و کاراخان رسید و تصویب نهایی آن به تأیید مجلس چهارم محول شد.

پس از تشکیل مجلس چهارم در اوایل تابستان 1300ش، دولت و مجلس خواستار رفع ابهامات مواد 3-5-6-20-23 شدند که در مورد مواد 20 و 23 روسها همکاری لازم را بعمل آوردند ولی در بقیه موارد تغییری حاصل نشد.⁶⁹

بالاخره پس از مذاکرات بسیار در آذر 1300، مجلس چهارم قرارداد مودت را مورد تأیید قرار داد و اساس سیاست خارجی دو کشور را مشخص کرد. هرچند به نظر می‌رسد که این قرارداد نقطه عطفی در روابط دو کشور بود و هر دو کشور نیاز مبرمی به چنین قراردادی داشتند. ولی این نکته را باید در نظر داشت که روسها با زرنگی تمام توانستند با گنجاندن برخی مفاد، منافع آینده خود را در ایران تضمین کنند که در اینجا به سه مورد از آنها اشاره می‌شود:

1- براساس ماده ششم، روسها این اجازه را پیدا کردند که در صورت استفاده از خاک ایران علیه این کشور، آنها خود شخصاً وارد عمل شوند و نیروهای خود را وارد ایران کنند. این امتیاز به طور کامل بر خلاف حقوق بین‌الملل بود؛ چرا که به روسها اجازه داده می‌شد بر اساس صلاحدید خود وارد عمل شوند.⁷⁰ کما اینکه بعدها در اثنای جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، زمامداران مسکو بارها به این ماده استناد کردند.

2- براساس ماده چهاردهم، دولت ایران تعهد می‌کرد که امتیاز شیلات شمال را پس از اتمام قرارداد آن، فقط به روسها واگذار کند که این نیز می‌توانست امتیاز بسیار مناسبی برای روسها محسوب شود؛ البته بیشتر نه بخاطر استفاده از محصولات شیلات بلکه به این دلیل که آنها می‌توانستند آن را پایگاهی برای تبلیغات خود قرار دهند و نفوذ خود را در ایران بیشتر کنند. فطن السلطنه در این مورد می‌گوید:

«بر اساس نوشته مطبوعات روسیه از رود ولگا سالانه

18 میلیون پوط⁷¹ ماهی صید می‌شود. در صورتی که رقم

صید ماهی سالانه در تمام سواحل ایران 600 هزار پوط

است.»⁷²

3- گنجاندن ماده سیزدهم در قرارداد، نشانه دیگری از فرصت‌طلبی روسها در آن زمان بود. چرا که با ملزم کردن ایران به عدم واگذاری امتیازات سابق تزاری به سایر کشورها، روسها از دو مزیت برخوردار می‌شدند: یکی اینکه از نفوذ سایر کشورها و

بخصوص انگلستان در نواحی شمالی ایران جلوگیری می‌کردند و دوم آن که، روسها به خوبی می‌دانستند که دولت ایران در آن زمان توانایی راه‌اندازی طرح‌های شمال کشور را به تنهایی ندارد، لذا باید از سایر کشورها کمک بگیرد. پس طبیعی بود که با استناد به قرارداد 1921، دولت ایران را وادار کنند آن امتیازات را به روسها واگذار کنند.

نکته دیگری که در خاتمه این بحث باید بخاطر داشت، این است که نه تنها دو کشور ایران و روسیه نیاز به انعقاد این قرارداد داشتند و از انعقاد آن احساس رضایت می‌کردند، بلکه انگلیسی‌ها نیز که از تمام جزئیات مذاکرات قرارداد از ابتدا اطلاع داشتند⁷³، از نتیجه آن راضی به نظر می‌رسیدند. زیرا آنان نیز با خیال راحت می‌توانستند نیروهای خود را از ایران خارج کنند و از هزینه‌های ناشی از حمایت نظامی و مالی خود در ایران بکاهند.

روتشتاین، پایان نهضت جنگل:

هنوز چندی از مذاکرات مشاورالممالک در مسکو نگذشته بود، که در آذر 1299/نوامبر 1920م، کاراخان، تئودور روتشتاین⁷⁴ را به عنوان اولین سفیر روسیه در ایران معرفی کرد. او در اوایل سال 1300ش راهی ایران شد، اما سید ضیاء، رئیس‌الوزراء وقت دستور داد تا هنگام خروج کامل قوای روس از ایران از ورود او جلوگیری کنند، که این عمل موجب اعتراض شدید دولت مسکو شد و به قوای بلشویک که در شرف تخلیه شهر رشت بودند دستور داد، دوباره به این شهر بازگردند⁷⁵ سید ضیاء که از این حرکت بلشویک‌ها وحشت‌زده شده بود، مجبور شد تا به روتشتاین اجازه ورود دهد، ولی سعی کرد با بازداشت برخی از دموکراتها از استقبال گرم او جلوگیری کند. البته این حرکت نیز نتیجه نداشت و روتشتاین در اردیبهشت 1300/آوریل 1921م با استقبال گرمی وارد تهران شد.⁷⁶

البته باید در نظر داشت که روسها در انتخاب روتشتاین به عنوان سفیر خود در ایران کمال دقت را به کار برده بودند، چرا که نه تنها او مدتی در وزارت جنگ انگلستان به عنوان مترجم خدمت کرده بود⁷⁷ و احترام عمیقی برای مردم و قوانین انگلستان قائل بود⁷⁸، بلکه تا قبل از ورود به ایران از اعضای هیأت تجاری روسیه در لندن محسوب می‌شد⁷⁹ که به خوبی از اهمیت انعقاد قرارداد تجاری روسیه و انگلستان مطلع بود. پس طبیعی بود که چنین فردی تا حدودی نیز مورد تأیید انگلیسی‌ها قرار بگیرد.

او در بدو ورود، استوارنامه خود را به احمدشاه تقدیم کرد و سعی کرد نظر او را به طرف خود و حکومت بلشویکی روسیه جلب نماید. روتشتاین به محض استقرار خود در تهران، با کمک مبالغ زیادی پول که با خود آورده بود، مبارزه مطبوعاتی خود را علیه حکومت سیدضیاءالدین آغاز کرد و دفتری به نام «دفتر مطبوعات» در سفارتخانه کشور خویش در تهران باز کرد که ضمن پرداخت مقرری به برخی روزنامه‌های تهران مانند «طوفان»، «حقیقت»، «حیات جاوید»، «عصر اقتصاد»، خطمشی آنان را نیز با توجه به دستورات مسکو مشخص می‌کرد.⁸⁰ او هم‌چنین اقدام به پخش فیلم‌های روسی بین سینماهای تهران به صورت رایگان کرد و مدرسه روسی که قبلاً تعطیل شده بود دوباره افتتاح نمود و عده‌ای از کمونیستها را برای تدریس در آن انتخاب کرد.⁸¹

این اقدامات ضد دولتی روتشتاین به قدری شدید بود که سیدضیاءالدین متوسل به سفارت انگلستان شد و از آنها خواست تا با وارد کردن فشار به روسها از اقدامات روتشتاین جلوگیری کنند.⁸²

در این زمان بر سر ادامه فعالیت‌ها در گیلان میان جمهوری آذربایجان به رهبری نریمان‌وف و رهبران مسکو اختلافاتی بوجود آمده بود. زیرا آنان مخالف با سیاست‌های جدید روسیه در ایران بودند و قصد داشتند دوباره در نهضت گیلان دخالت کنند. به طوری که حتی «قرایف»، کمیسر نظامی جمهوری آذربایجان در این مورد عنوان کرد:

«مسکو ممکن است اعلام کند جمهوری گیلان باید از بین برود، اما آذربایجان یک جمهوری مستقل است و نه تنها از نابودی آن [اجتناب] می‌کند، برعکس ... هر نوع کمک از نظر نیروی انسانی و مالی در اختیار آن قرار خواهد داد».⁸³

به دنبال همین اختلافات در تیر 1300/ژوئیه 1921، حدود پانصد سرباز بلشویک آذربایجان به گیلان اعزام شدند و توانستند با همیاری نیروهای احسان‌الله خان تا گردنه «سلمبر» پیشروی کنند. اما به دلیل هشدار لنین به مقامات باکو، برای عدم دخالت در اوضاع گیلان و همچنین عدم همکاری بیشتر افسران بلشویک با نیروهای احسان‌الله خان بر اثر فعالیت روتشتاین، این لشکرکشی نیز بی‌نتیجه ماند.⁸⁴

البته باید در نظر داشت در این هنگام دولت مسکو بر سر سه موضوع زیر با دولت و مجلس چهارم اختلاف داشت:

1- عدم تصویب قرارداد مودت 1921م از طرف مجلس، که نه تنها به برخی از مواد قرارداد ایراد داشتند، بلکه قصد داشتند تا با به تعویق انداختن تصویب قرارداد، دولت مسکو را مجاب به تخلیه نیروهای خود از ایران کنند و طبیعی بود که این اعمال موجب خشم روسها شود. برای همین چیچیرین نیز در جواب این اعمال اعلام کرد:

«در صورت عدم امضای قرارداد 1921م توسط مجلس،

روسها تعهدی برای خروج نیرو از ایران ندارند».⁸⁵

2- در تیرماه 1300 فردی به نام آذرلینگو⁸⁶ از طرف دولت آذربایجان شوروی جهت معامله تجاری راهی ایران شد. او به محض ورود به ایران خود را تحویل مقامات ایرانی داد و اعلام نمود چون به دروغ، مورد اتهام فساد مالی قرار گرفته و فردی لهستانی تبار می‌باشد دیگر قصد ندارد به روسیه بازگردد.⁸⁷

در مقابل، دولت روسیه بلافاصله طی یادداشتی از وزارت امور خارجه ایران خواستار شد تا آذرلینگو را که فردی روسی می‌باشد و به جرم فساد مالی تحت تعقیب

می‌باشد به روسها تحویل دهند.⁸⁸ در این میان سفارت فرانسه که خود را حافظ منافع لهستان در ایران می‌دانست، به دولت ایران اعلام کرد که بر اساس تحقیقات بعمل آمده آذرلینگو فردی لهستانی می‌باشد و دولت ایران باید از استرداد او به روسیه خودداری کند.⁸⁹

دولت قوام در مقابل این اظهارات متفاوت تصمیم گرفت تا روشن شدن وضعیت این فرد، او را در تهران نگهداری به علت بیماری در بیمارستان احمدی تحت مراقبت قرار دهند. اما چند روز بعد این فرد، با کمک عوامل شهربانی که از رضاخان دستور می‌گرفتند، توانست از بیمارستان فرار کند و به سفارت فرانسه پناهنده شود. هرچند قوام دستور داد تا سفارت فرانسه را محاصره کنند، ولی این عمل موجب آرام شدن روتشتاین نشد و به شدت به دولت ایران اعتراض کرد و تهدید نمود در صورت عدم رسیدگی جدی به این مسئله، او ایران را ترک خواهد نمود.⁹⁰

و بدین شکل ماجرای آذرلینگو می‌رفت تا به صورت یک بحران بزرگ میان دو کشور شود، تا اینکه در 13 آذر 1300 روسها که در مقابل کار انجام شده قرار گرفته بودند و دوست نداشتند در این مرحله رابطه خود را با ایران قطع کنند، به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب روسیه فرمان عفو عمومی صادر کردند و طی آن آذرلینگو را نیز مورد عفو قرار دادند.⁹¹ او نیز چندی بعد ایران را به مقصد اروپا ترک کرد و بدین ترتیب غائله خاتمه یافت.

3- روسها از عملکرد قوام در مورد واگذاری نفت شمال ایران به شرکتهای آمریکایی، ناراضی بودند.⁹²

بدین ترتیب با توجه به همین مشکلات بود که روسها زیاد بی‌میل نبودند گهگاه حرکتی از طرف جمهوری آذربایجان در گیلان صورت بگیرد تا از یک طرف دولت ایران را در جهت قبول خواسته‌های خود تحت فشار قرار دهند و از طرف دیگر

با دخالت خود به عنوان حامی منافع ایران و جلوگیری از حرکات بیشتر جمهوری آذربایجان، محبوبیت بیشتری در ایران کسب کنند.

سرانجام با فراهم شدن زمینه‌های تفاهم بیشتر، دو کشور در جهت رضایت یکدیگر دست به اقداماتی زدند. از آن جمله دولت ایران در صدد جمع‌آوری اعانه برای مردم قحطی‌زده روسیه برآمد و روسها نیز در صدد پایان دادن به نهضت گیلان برآمدند. از این رو در ابتدا روتشتاین ضمن نامه‌ای از میرزا کوچک‌خان خواست تا دست از مبارزه بردارد و خود را به قوای دولتی تسلیم کند و یا به روسیه برود⁹³، ولی چون با مخالفت او روبرو شدند، از یک طرف در 11 مهر 1300، دفتر سیاسی حزب کمونیست روسیه، یکی از اعضای خود را روانه ایران کرد تا ضمن اجرای صحیح قرارداد 1921م، اجازه ندهد افراد کوچک‌خان را مورد حمایت قرار دهند و از طرف دیگر کلانتروف⁹⁴ وابسته نظامی خود در تهران را نیز به همراه قشون دولتی راهی گیلان کردند تا زمینه‌های تصرف شهر رشت را فراهم کنند.⁹⁵

به دنبال همین اقدامات، در 22 مهر 1300، شهر رشت تصرف شد و احسان‌الله‌خان نیز به همراه 80 نفر از همراهانش به روسیه پناهنده شد. میرزا کوچک‌خان نیز چندی بعد در ربیع‌الثانی 1340/15 آذر 1300 هنگام فرار در گردنه گیلان کشته شد و بدین ترتیب غائله گیلان پس از یک سال و نیم خاتمه یافت.

در پایان این بخش باید اضافه کرد که دفتر مرکزی حزب کمونیست روسیه برای توجیه عقب‌نشینی نیروهای خود از گیلان⁹⁶ به دلایل زیر استناد می‌کرد:

1- چون نیروهای نظامی مستقر در گیلان دیگر توانایی مبارزه نداشتند، باید با تخلیه آنجا، از سقوط قطعی آن جلوگیری می‌کردند.

2- با خروج نیروهای کمونیست، تمام نارضایتی‌ها ملت ایران متوجه دولت انگلستان خواهد شد.

3- با تخلیه واحدهای خود از گیلان از شر گروه‌های تندرو احسان‌الله‌خان راحت خواهند شد.⁹⁷

البته به نظر می‌رسد دلایل اصلی این تغییر تاکتیک را باید در مواردی همچون قرارداد تجاری لندن و قرارداد 1921م مودت مشاهده کرد. چرا که در هر دو قرارداد، دولت بلشویکی روسیه تعهد کرده بود از حمایت عناصر ضددولتی دست بردارد و در اوضاع داخلی ایران دخالت نکند؛ هر چند که بعدها به مراتب این تعهدات خود را فراموش کردند.

نتیجه:

پس از آن که سیاست‌های اولیه روس‌های (بین سالهای 1919-1917م) نسبت به ایران، نتیجه ای را برای آنها به دنبال نداشت. آنها نحوه فعالیت خود را در ایران تغییر دادند و حملات تبلیغاتی خود را به حمله نظامی تبدیل کردند. روس‌ها در ابتدا سعی کردند ضمن همراهی با میرزا و برخی حرکات کم‌اهمیت‌تر همچون، شورش خداوردیخان در شمال خراسان، زمینه‌های نفوذ خود را در ایران فراهم کنند و ضمن فشار بر دولت ایران و انگلستان، منافع آتی خود را در ایران تضمین کنند.

در این زمان، به عللی همچون تنفر مردم از انگلیسی‌ها و همراهی میرزا با روس‌ها، زمینه‌های نفوذ بیشتر بلشویک‌ها در گیلان فراهم شده بود. لذا به محض حملات اولیه بلشویک‌ها به گیلان، اولین جمهوری شورایی در رشت شکل گرفت. اما هنوز چندی از عمر این جمهوری نگذشته بود که زعمای مسکو به تصور اینکه، دیگر نیازی به میرزا کوچک‌خان و نیروهای او ندارند، اقدام به کودتا علیه او کردند که در عمل نتوانستند موفقیتی کسب کنند و خیلی زود متوجه این اشتباه خود شدند که بدون کمک

نیروهای ملی و فقط با اتکاء به اعضای کمونیست، هیچ اقبالی برای پیروزی ندارند، زیرا مردم ایران هنوز آمادگی پذیرش اصول کمونیسم را ندارند.

به همین دلیل با اعزام حیدرعمواوغلی به گیلان - پس از تشکیل کنگره باکو - تلاش کردند ائتلاف جدیدی را متشکل از نیروهای کمونیست و میرزا تشکیل دهند. اما با رفتن حیدرعمواوغلی به گیلان در سیاست خارجی روسیه بلشویک نسبت به ایران، چرخش‌های اساسی ایجاد شد که در واقع این تغییرات ناشی از تحلیل‌های وزارت امور خارجه روسیه بود، که نه تنها ادامه مبارزات را در گیلان بی نتیجه می‌دانست بلکه به دلیل نیازهای اقتصادی و سیاسی این کشور به دو دولت ایران و انگلستان معتقد بود، در حال حاضر باید در مقابل آنان انعطاف نشان داد.

لذا با ورود روتشتاین به ایران و عکس‌العمل او نسبت به نهضت جنگل، اولین نشانه‌های تغییر سیاست روسیه در ایران مشهود شد.

باید یادآور شد که در این زمان، اساس سیاست خارجی روسها تأمین منافع اقتصادی بود که با توجه به قراردادهای مودت 1921م و قرارداد 1921م تجاری لندن تا حدود زیادی به آن دست یافته بودند، لذا ترجیح دادند با حذف نهضت جنگل، گامی دیگر در جهت تحکیم موقعیت خود در اروپا و ایران بردارند.

نکته دیگری را که باید به خاطر داشت این است که دخالت نظامی بلشویک‌ها در گیلان و تأسیس جمهوری شورایی از چند جهت برای روسها حائز اهمیت بود.

یکی از این جهت که روسهای بلشویک توانستند اولین مداخله نظامی خود را پس از انقلاب در کشورهای همسایه خود عملی سازند و نخستین جمهوری شورایی را در خاک یک کشور مستقل بوجود آورند.

دوم اینکه دولت روسیه با استفاده از انقلابیون گیلان، این فرصت را پیدا کرد تا نظریه انقلاب را در کشورهای تحت استعمار و نیمه مستعمره عملی سازد. از همه مهمتر اینکه، روسهای کمونیست از انقلاب گیلان این نتیجه را گرفتند که برای پیشبرد اهداف

خود در ایران، همواره باید از احساسات ملی نیز بهره بگیرند و گرنه هر نوع حرکتی در این کشور با شکست روبرو خواهد شد و به دنبال همین تجربه بود که در اثنای جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، روسها برای تشکیل جمهوری‌های مستقل در آذربایجان و کردستان، بر احساسات ناسیونالیستی آنان تأکید کردند.

در پایان باید عنوان کرد که این تغییر روش سیاسی روسها در ایران و قربانی کردن نهضت گیلان و افرادی هم‌چون میرزا کوچک‌خان، احسان‌الله خان و چند تن دیگر می‌توانست نشانگر این مسأله باشد که مبانی اصول سیاست خارجی روسیه تازه در حال شکل گرفتن است و روز به روز به سیاست‌های دوران تزاری نزدیک‌تر می‌شود که در ادوار بعد هر چه بیشتر خود را نشان داد.



یادداشت‌ها:

1- تخلیه نیروهای خود از ایران، افشای عهدنامه‌های سری و لغو قراردادهای ظالمانه دوران تزاری

2- مویسی پرستیس، بلشویک‌ها و نهضت جنگل، ترجمه حمید احمدی، تهران، امیرکبیر، 1379، ص 16.

3- Troianowsky

4- سپهر ذبیح، تاریخ جنبش کمونیستی در ایران، ص 40 نقل از ادین ونورت، روسیه شوروی در شرق در سالهای 1920-1927، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی، 1364، چاپ استانفورد، 1975، ص 92.

5- با به رسمیت شناختن حکومت آذربایجان روسیه و اجازه تاسیس سفارتخانه در تهران، دولت ایران ثابت کرد به نوعی خواستار تجزیه روسیه می باشد. عبدالله مستوفی، ج 3، ص 7 /همچنین مرکز اسناد تاریخ و دیپلماسی وزارت امور خارجه کارتن 15، پرونده 15، نمره 107 در قفقاز نیز دولت وثوق الدوله با برخی از ولایات، که خواستار الحاق به خاک ایران بودند وارد مذاکره شد و از خواست های آنان حمایت می کرد. برای اطلاع بیشتر رک فصلنامه تاریخ معاصر، زمستان 71، مذاکرات منصور الملک با مستشار سفارت بریتانیا ص 212

6- colmitcefe کالامیتسف در ژوئیه 1919م/1337ق از طرف لنین و با استوار نامه معتبر راهی ایران شد. در این زمان چون مذاکرات قرارداد 1919 میان وثوق الوله و انگلیسیها در جریان بود و آنان نمی خواستند کوچکترین خللی در مذاکرات ایجاد نشوداز همان ابتدا سعی کردند جلوی او را بگیرند تا این که در جنگل هزار جریب

توسط ژاندارمها دستگیر و به افسران قزاق تحویل داده شد و کمی بعد کشته شد. برای اطلاع از مرگ او ر-ک مرکز اسناد سال 1338 کارتن 44 پرونده 3، نمره 1.

Raskolnikov -7

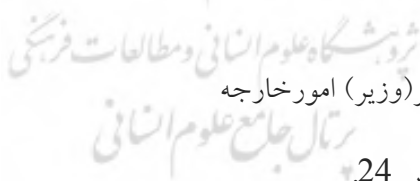
8- Denikine از افسران ارتش تزاری بود که با حمایت هی کشورهای اروپایی علیه حکومت کمونیست روسیه مبارزه می کرد.

9- ملک الشعرا بهار، تاریخ احزاب سیاسی، ج 1، تهران: امیرکبیر، 1371، ص 44

10- گریگور یقیکیان، گریگور، شوروی و جنبش جنگل، کوشش برزویه دهگان، بی-جا: نوین، 1363، ص 38.

Trotsky -11

1- 12- لئو اسکلیروف، علت‌های شکست کوشش شوروی در صدور انقلاب بلشویکی به گیلان، ترجمه حامد مزرجی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ش 8 و 7، 1380، ص 183 تا 173.



13- Chicherin کمیسر (وزیر) امور خارجه

14- مویسی پرستیس، ص 24.

15- همان، ص 29.

16- شاپور رواسانی، نهضت میرزا کوچک خان جنگلی، تهران: چاپخش، 1363، ص 163.

Nor per force -17

18- گریگور یقیکیان، ص 35.

19- گزارش رمز مورخ 10 رجب 1338، نمره 478، مرکز اسناد تاریخ و دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال 1338، کارتن 39، پرونده 8. نمره 4.

20- Champain

21- گریگور یقیکیان، ص 36-37.

22- راپورت کفیل کارگذاری خارجه گیلان به وزارت امور خارجه، مرکز اسناد تاریخی و دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال 1338، کارتن 44، پرونده 60، نمره 1.

23- آبرونساید، ادموند، خاطرات سری آبرونساید، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ص 182-183.

24- Lord curzon

25- ایرج افشار، برگهای جنگل نامه های رشت و اسناد نهضت جنگل، تهران: فروزان، 1380، ص 78-79.

26- گزارش کارگذاری خارجه گیلان به وزارت امور خارجه، 11 جوزا 1299، نمره 590، همان مرکز، سال 1338، کارتن 47، پرونده 27، نمره 2.

27- ایرج افشار، ص 158.

28- لئو اسکلیروف، ص 176

29- Radak از رهبران انقلاب روسیه.

Isosita -30

- 31- پیتر آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، ج 1، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: چاپخانه حیدری، ص 413.
- 32- این حزب در اوایل سال 1917م به رهبری اسدالله غفار زاده و برادران آقاییوف در مدرسه تمدن باکو اعلام موجودیت کرد و مورد توجه کارگران این منطقه که در وضع بدی به سر می بردند، قرار گرفت. برای اطلاع بیشتر ر-ک جعفر پیشه وری، تاریخچه حزب عدالت.
- 33- ابراهیم فخرایی، سردار جنگل، تهران: جاویدان، 1368، چاپ 12، ص 69-268.
- 34- شاپور رواسانی، ص 144.
- 35- خسرو شاکری، اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران، ج 1، تهران: انتشارات علم، 1356، ص 125.
- 36- بعدها معروف به پیشه وری شد.
- 37- شاپور رواسانی، ص 144.
- 38- ابراهیم فخرایی، ص 269.
- 39- Blue Meghin نماینده چکا پلیس مخفی شوروی در ایران.
- 40- نماینده بازرگانی خوشتاریا.
- 41- شاپور رواسانی، ص 181-182.

Abokof -42

43- گریگور یقیکیان، ص 162-163.

44- برای اطلاع بیشتر از گزارش‌های این افراد، ر-ک مویسی پرستیس، ص 63-65.

45- سرژ آفاناسیان، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان از استقلال تا استقرار رژیم شوروی 1917-1923، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: معین، ص 144-145.

46- Komintern در مارس 1919م توسط لنین و با هدف تبلیغ مرام کمونیستی در جهان و مبارزه با امپریالیسم تشکیل شد. البته لنین تلاش می کرد این سازمان را مستقل از دولت روسیه نشان دهد تا آن را پوششی برای تبلیغات ضد امپریالیستی دولت بلشویکی قرار دهد. مویسی پرستیس، ص 19

Zinoviev -47

48- ضیاء الدین الموتی، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی ایران جنبش‌های چپ، تهران: چاپخش، 1370، ص 165.

49- محمد علی منشور گرکانی، رقابت شوروی و انگلیس در ایران از 1296 تا 1306ش، تهران: عطایی، 1368، ص 122.

50- ضیاء الموتی، ص 165.

51- محمد علی منشور گرکانی، ص 124.

52- ابراهیم فخرائی، ص 326.

53- ضیاءالدین الموتی، ص 168.

54- سپهر ذبیح، ص 74.

55- Krassin در سال 1920 از طرف دولت روسیه هیاتی به سرپرستی کراسین به انگلستان اعزام شدند. که در نهایت مذاکرات آنها منجر به قرار داد تجاری لندن در 16 مارس 1921 شد که براساس آن دولت انگلستان حاضر شد، دولت بلشویکی روسیه را به صورت دفاکتو (defacto) شناسایی ناقص و محدود به روابط اقتصادی و فرهنگی که قابل پس گرفتن است) به رسمیت بشناسد و دولت روسیه نیز تعهد کرد از دخالت و تبلیغ مرام کمونیستی علیه بریتانیا در آسیا دست بردارند. برای اطلاع از متن کامل انگلیسی این قرارداد رک مرکز اسناد: سال 1340، کارتن 66، پرونده 67، نمره 1.

56- مویسی پرستیس، ص 65.

57- Karajan معاون کمیسر امور خارجه.

58- همان، ص 68-70.

59- گریگور یقیکیان، ص 387.

60- امیل لوسوئور، نفوذ انگلیسیها در ایران، ترجمه محمدباقر احمدی، تهران: شرکت کتاب برای همه، 1368، ص 137.

61- انصاری پس از اینکه در طی کنگره صلح ورسای حکم عزل خود را از طرف وثوق‌الدوله دریافت کرد راهی عثمانی شد و در آنجا به عنوان سفیر کبیر ایران مشغول انجام وظیفه شد.

62- عبدالحسین مسعود انصاری، زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان ج 2، ص 16.

63- فاطمه قاضیها، اسناد روابط ایران از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجار، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، 1380، ص 345.

64- ایرج ذوقی، تاریخ سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ 1920-1925م، تهران: پاژنگ، 1368، ص 382.

65- کاوه بیات، توفان بر فراز قفقاز، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، 1380، ص 321-322.

66- حسین مکی، حسین، زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه، تهران: امیرکبیر، 1370، ص 258.

67- کاوه بیات، ص 328.

68- یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج 4، تهران: عطار، 1371، ص 209.

69- برای اطلاع بیشتر رک. بهرام نوازی، عهدنامه مودت ایران و شوروی.

70- بهرام نوازی، عهدنامه مودت ایران و شوروی، تهران: نشر همراه، 1369، ص 13.

71- هر یوط معادل 16 کیلوگرم بود.

72- محمد علی مجد، گذشت زمان، ج 1، بی‌جا: بی‌نا، ص 87.

73- محمد جواد شیخ‌الاسلامی، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد 1919، ج 3، ص 61-62.

74- Theodere Rothstein روتشتاین مدتی نیز برای روزنامه منچستر گاردین مقاله می‌نوشت، الموتی، ضیاء الدین، ص 137.

- 75- محمد جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران: کیهان، 1369، ص 93.
- 76- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج 1، تهران: امیرکبیر، 1358، ص 283.
- 77- ن روتیچ، ن، حزب کمونیست شوروی بر سریر قدرت، ترجمه فتح الله دیده بان، تهران: کتابخانه فروردین، 2536، ص 154.
- 78- محمد جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران، ص 94.
- 79- فتح الله نوری اسفندیاری، رستاخیز ایران مدارک مقالات و نگارشات خارجی 1299-1323، تهران: چاپخانه سازمان برنامه، ص 3-2.
- 80- محمد جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس، ص 101.
- 81- جورج لئوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران: جاویدان، 1353، ص 107.
- 82- محمد جواد شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران ص 101.
- 83- موسی پرستیس، ص 84.
- 84- شاپور رواسانی، ص 216-217
- 85- لئواسکیروف، ص 181.
- Azrlingo -86

87- متن ترجمه اظهارات آذرلینگو، همان مرکز، سال 1339، کارتن 2، پرونده 29
نمره 5.

88- یادداشت نمایندگی مختار روس در تهران خطاب به وزیر امور خارجه، 15
سرطان 1300، همان مرکز، سال 1339، کارتن 2، پرونده 29. نمره 1.

89- ترجمه یادداشت سفارت فرانسه به وزارت امورخارجه ایران 17 سپتامبر
1921م، همان مرکز، سال 1340، کارتن 2، پرونده 7 نمره 1

90- ترجمه روزنامه تایمز، 6 سپتامبر 1921، همان مرکز؛ سال 1340 کارتن 2،
پرونده 7 نمره 38.

91- متن ترجمه یادداشت وزیر مختار شوروی روس در ایران، 13 قوس 1300ش/
5 نوامبر 1921م، همانجا، نمره 58

92- برای اطلاع بیشتر ر-ک مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران

93- ابراهیم فخرائی، ص 356.

Kalantrof -94

95- مویسی پرستیس، ص 99-97.

96- تخلیه نیروهای بلشویک از گیلان از خرداد 1300 /ژوئن 1921 آغاز و در مهر/
دسامبر همان سال خاتمه یافت.

97- همانجا



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی